

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۶
از صفحه ۷۳ تا صفحه ۹۲

بررسی جایگاه آموزه‌های قرآنی و حدیثی در تربیت مطلوب جنسی جوانان

چکیده

از ذخایر غنی و عظیم معنوی اسلام، آموزه‌های فراوان و همه جانبه آن است که در قرآن کریم و احادیث، جایگاه بلند و پرفایده‌ای دارند که می‌توان به برخی از آنها در قالب شیوه‌های تربیتی و الگودهی برای نسل جوان اشاره کرد. انواع تربیت‌ها و از جمله تربیت جنسی، برای همه دوره‌های زندگی انسان از بدو تولد تا دوران بلوغ و... در آیات و روایات تجلی کرده است و در دسترس قرار دارد. به طوری که اجرای آنها آسان، کاربردی و متناسب با وضعیت زندگی افراد است. در این مقاله سعی شده است جایگاه آموزه‌های قرآنی و حدیثی در تربیت مطلوب جنسی جوانان بررسی شود و با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، اهداف سازنده و دستاوردهای کاربردی آن‌ها روشن گردد. با آگاهی از این اهداف و اجرای درست آنها، قشر جوان، با تربیتی مطلوب در امور جنسی آراسته می‌گردد و اجتماع خویش را از هر انحرافی نگه می‌دارد. نسل جوان در عصر حاضر که با پدیده‌های نوظهور جهانی همچون: ماهواره، اینترنت و فضای مجازی روبرو است، در صورت آراسته بودن به تربیت مزبور، از تبعات منفی آن‌ها در امان خواهد بود.

سید یوسف محفوظی موسوی
استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز
sy.mahfouzi@yahoo.com

محمد جعفر نژاد
مربی ودانشجوی دکتری قرآن و حدیث،
دانشگاه پیام نور- تهران
m_nejjad@yahoo.com

کلید واژه:
قرآن، حدیث، تربیت جنسی،
آموزه‌ها، جوانان.

مقدمه

آموزه‌های اسلام به منظور ساختن فرد و اجتماع، تنها به یک دوران یا محیط خاص توجه نکرده، بلکه نگاهش کامل و همه جانبه است. زیرا رهنمودها، توصیه‌ها و ضوابط متقن و در عین حال آسان و عملی، برای دوره‌های مختلف انسان دارد (برای مرحله پیش از تولد، دوره آغاز رشد، و مراحل بعدی او)؛ به گونه‌ای که انسان بر پایه این آموزه‌ها تربیت‌های متنوع صحیح از قبیل: تربیت جنسی مناسب می‌بیند، طوری که پیامدهای سازنده آنها را در صورت به کارگیری صحیح، تا پایان عمر مشاهده می‌کند. این دین مبین، برای پیشگیری از انحراف جنسی در دوره حساس و پر مخاطره جوانی و نوجوانی، که در دیدگاه خود آن را موضوعی پراهمیت می‌داند و درباره آن، دغدغه‌ها و حساسیت‌های قابل توجهی دارد، راهکارهای تربیتی در آموزه‌های خویش مطرح کرده است، به طوری که هر فرد مسلمان با رعایت آنها می‌تواند به صورت سالم و ایده‌آل، در اجتماعی سالم به سر برد و خوشبختی دنیا و آخرت را برای خود فراهم کند. در این باره مفسران عالی‌قدر قرآن، و سایر دانشمندان قرآنی و حدیثی، مطالعات و اثرهای ارزشمندی دارند که در مقاله حاضر محتوای برخی از آنها بررسی و تحلیل شده است.

آموزه‌های قرآن و حدیث در تربیت جنسی نوجوانان و جوانان

با توجه به آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی درباره آموزه‌های تربیت جنسی نوجوانان و جوانان، ادوار زندگی ایشان، از تولد کودکی تا جوانی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: مرحله اول: دوران طفولیت (شیرخوارگی و وابستگی) که انسان معمولاً چیزی درک نمی‌کند. مرحله دوم: از حدود سه سالگی تا سن بلوغ. مرحله سوم: الف) مرحله ابتدای بلوغ (و احتلام) ب) مرحله جوانی و پس از بلوغ (و آماده ازدواج). مرحله اول: طفولیت

در این مرحله چون کودک درباره مسائل جنسی قدرت تمییز ندارد و درک او به این موضوعات مانند فهمش از محیط اطراف هست، از این رو تکلیفی بر او نیست و او را می‌توان در جمع زنان نامحرم قرار داد. قرآن نیز محدودیتی برای او در این دوره قائل نیست و نیز مواردی را که زنان می‌توانند حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند، دوازده مورد ذکر کرده است که یکی از آنها، کودکانی هستند که از عورات (امور جنسی) زنان آگاهی ندارند. در این آیه می‌فرماید: «...أَوِ الطُّفُلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ... (نور/۳۱)»؛ ... یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند....

با توجه به نظرهای مفسران درباره این عبارت قرآنی معلوم می‌گردد، اشکالی ندارد کودکانی که احوال زنان، عورت یا انگیزش جنسی آنان را درک نمی‌کنند، در جمع زنان غیرمحرّم حاضر باشند. مراد کودکانی است که به علت سن کم، شناختی درباره عورت مردان و زنان ندارند و فرق بین آن دو را تشخیص نمی‌دهند و تصویری از عورت در ذهنشان نیست (طوسی، ۱۲۰۹، ج ۷، ص ۴۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۴؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۳۲؛ ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۹۶؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۷۷؛ بغوی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۰۵). همچنین گفته شده منظور از طفل در

این‌جا کودکانی است که احوال و عورت زنان، صدای نرم و نازک، با ادا و ناز راه رفتن و سایر حرکات آنان را درک نمی‌کنند و تا زمانی که در این مرحله هستند اشکالی ندارد در جمع زنان گیرند (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹؛ ناصح علوان، ۱۳۸۸، ج ۲ ص ۵۷۹).

شایان ذکر است که تعبیر قرآنی «الظُّهُورُ عَلَى الشَّيْءِ» که بیشتر به معنای «غلبه یافتن» است (راغب، ۱۳۶۲، ص ۳۱۷) گاهی معنی «علم به چیزی پیدا کردن و درباره چیزی آگاهی یافتن» نیز می‌دهد؛ مانند آیه: «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» (کهف/۲۰)؛ اگر آنان از وجود شما آگاه شوند سنگسارتان می‌کنند. (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۸۸). در جاهایی نیز به معنای «قدرت و توانایی» تفسیر شده است. مانند آیه: «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً» (توبه/۸)؛ چگونه با پیمان‌شکنان پیکار نمی‌کنید، در حالی که اگر آنان بر شما قدرت یابند نه ملاحظه خویشاوندی و نه پیمان با شما را می‌کنند. (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۳۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۴۵۳). این تفاوت‌های معنایی، اختلاف چندانی از نظر نتیجه ندارد. منظور، اطفالی است که بر اثر عدم احساس جنسی، نه توانایی و نه آگاهی دارند؛ البته چنانچه در این مرحله، کودک متوجه آن مسائل گردد، باید عورت از او پوشانده شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۶۷)؛ نظر علامه طباطبایی این است که عبارت «الطُّفْلُ الَّذِي...» یعنی گروه اطفالی که... چون الف و لام در «الطفل» استغراق است و کلیت را می‌رساند؛ یعنی آنچه از امور زنان که مردان بالغ از تصریح به آن شرم دارند، آن اطفال زشتی را درک نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۶۰). آموزه‌های اسلامی در برنامه تربیت کودک به این اصل مهم اخلاقی توجه کامل دارد و برای این که فرزندهای مسلمانان با خوی پسندیده عفت بار آیند، و جامعه اسلامی خالی از آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری باشد، بر این اساس ضمن جدا کردن کودکان یاد شده، توصیه‌هایی از قبیل حفظ پوشش و تعالیم دیگر را به پدران و مادران و در مجموع به خانواده‌ها داده است؛ از جمله این که مراقب باشند مسائل مربوط به رابطه زناشویی بین پدر و مادر به صورت شایسته، در فضای خانه مطرح شوند که بعدها نتایج زیانبار اخلاقی نداشته باشد، که در ادامه این موضوع بررسی می‌گردد.

یکی از نیرومندترین غریزه‌های بشری، تمایل جنسی است. در اصطلاح علمی امروز، مقصود از غریزه جنسی، تنها تمایل آمیزش زن و مرد با یکدیگر نیست، بلکه معنای وسیع‌تری دارد که میل به آمیزش، یکی از مظاهر آن است. به نظر دانشمندان، غریزه جنسی به منزله کانون عشق و حرارتی است که از ابتدا در نهاد آدمی آفریده شده است؛ در ایام کودکی و سال‌های قبل از بلوغ، کم و بیش از مجاری مختلفی ظاهر می‌شود و حرارت‌های خفیفی از خود نشان می‌دهد. در ایام بلوغ با شدتی هر چه بیشتر زیانه می‌کشد و با تمام حرارت و هیجان خودنمایی می‌کند و در اثر آن مزاج جوان طوفانی شده و منشأ تحولات عظیمی در جسم و جان وی می‌گردد (ر. ک: فلسفی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۳۸ به بعد)؛ از این رو بر پایه این آموزه‌ها، آگاهی یافتن از این مسأله و مراقبت مطلوب از آن، در خانواده‌های مسلمان ضروری به نظر می‌رسد.

مرحله دوم: مرحله تمییز، بین سن ۳ یا ۴ سالگی تا سن بلوغ

در این مرحله که ابتدای سن یادگیری و فراگیری است، کودک، آموزش و اطلاعاتش را بر اساس مشاهده و شنیده‌ها فرا می‌گیرد و در حقیقت کلاس درس و تربیتش محیط خانواده است و از آن شیوه زندگی، فرهنگ و تربیت می‌پذیرد. از این رو نقش خانواده در اثربخشی و الگودهی، برای این مرحله بسیار حیاتی و اثرگذار است. زیرا افراد آن، پیوسته در رابطه دوجانبه مستقیم و تنگاتنگ با کودک قرار دارند و امور مختلف زیستی را با یکدیگر تجربه می‌کنند.

این نهاد کوچک در ارتباط مستقیم و واقعی با کودک قرار دارد. کودک از ابتدایی‌ترین تا حیاتی‌ترین آموزش‌ها را در ابعاد شخصیتی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی در خانواده و به وسیله تک تک اعضا فرا می‌گیرد (ر.ک: شادی، ۱۳۸۲، ص ۳). در این مرحله که مقدمه آموزش کودک است، خداوند حکیم، والدین را با آداب و رسوم تربیت می‌کند تا ملتی را پدید آورد که دارای اعصاب سالم و بینش‌های اندیشه‌های پاکیزه باشند. راهکارهای تربیتی قرآن کریم برای این مرحله سنی عبارتند از:

الف) اجازه گرفتن

از آموزه‌های قرآنی، اجازه گرفتن کودکان به هنگام ورود به اتاق یا محل خواب والدین است که بر اولیا لازم است در این دوره (قبل از رسیدن فرزندان به سن بلوغ) آداب اجازه گرفتن را به آنان بیاموزند. این موضوع از دیدگاه قرآن کریم آنقدر اهمیت دارد که آیه‌ای صریح درباره آن با بیان جزئیات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/۵۸)؛ ای مؤمنان، باید که ملک یمین‌هایتان و کسانی از شما که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، سه بار، پیش از نماز صبح، در ظهر که لباس‌هایتان را در می‌آورید و پس از نماز عشاء- که سه هنگام برهنگی شماست، از شما (برای ورود) اجازه بگیرند و پس از آن (سه هنگام) نه بر شما و نه بر ایشان گناهی نیست؛ زیرا پیرامون شما در گردش‌اند. این‌گونه خداوند آیات خویش را برای شما روشن می‌گرداند و خداوند دانای فرزانه است. این آداب در سه وقت است:

وقت اول: قبل از نماز صبح؛ چون در این هنگام مردم معمولاً در لباس خواب به سر می‌برند و چه بسا پدر یا مادر در این موقع در ظاهری غیرمعمول باشند یا لباسی غیر از لباس خواب به تن دارند و ممکن است بعضی اعضای بدن آشکار باشد یا در حالتی غیرمتعارف برای کودکان، همچون امور مربوط به زوجین، به سر برند. (شادی، ۱۳۸۲، ص ۸؛ ناصح علوان، ۱۳۸۸، ص ۴۷۹) قرآن کریم این وقت را زمان ممنوعیت ورود فرزندان به حریم استراحت شبانه تعیین کرده است، مگر با اجازه گرفتن از آنان باشد. اما وقت نماز صبح که زمان ادای فریضه دینی است، والدین یا هر مسلمان دیگری چون برای نمازگزاردن، به حالت عادی و لباس‌های معمولی برمی‌گردند، این ممنوعیت برطرف می‌گردد.

وقت دوم: هنگام ظهر؛ که به تعبیر قرآن: «لباس‌های معمولی را از تن بیرون می‌آورید»؛ این هنگام وقت خواب نیمروز است؛ هنگامی که پدر و مادر در حال خواب یا استراحت نیمروز به سر می‌برند و

احتمالاً به دلیل استراحت یا گرمای هوا و... لباس‌های معمولی و عرفی را از تن بیرون می‌آورند یا اصلاً لباس به تن ندارند (ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۰؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۲). چنین وقتی نیز فرزندان جز با هماهنگی، ممنوع‌الورود بر والدین هستند، تا زمانی که حالت عادی برسد.

وقت سوم: بعد از نماز عشاء؛ هنگامی که والدین لباس‌ها را از تن بیرون می‌آورند و برای استراحت شبانه آماده می‌شوند. پس لباس‌های خواب یا نازک هستند یا قابلیت پوشاندن همه اعضای بدن را ندارند، در نتیجه قسمتی از اعضای بدن والدین آشکار است یا به گونه‌ای است که شایسته نیست کسی آنان را در چنین حالتی ببیند (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۲؛ ماوردی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۲۱۴). زیرا این زمان مختص والدین و هنگام خلوت کردن آن دو با یکدیگر است و فرزندان حق و رخصت ندارند که وارد شوند یا از آن خبر یابند.

گفتار مفسران درباره آیه کریمه این است که مشاهده برخی صحنه‌های زمان خلوت کردن والدین، موجب آثار زشتی در ذهن پسر یا دختر می‌شود و در هنگام رسیدن به سن بلوغ به صورت ترس و افسردگی شکننده ظاهر می‌شود و با نفوذ در اعماق ذهنشان، فکر آن‌ها را مشغول کند (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۲؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۰۰؛ شادی، ۱۳۸۲، ص ۸) همچنین ممکن است بعدها به صورت مشکلات ناشناخته اخلاقی یا روانی در آنان بروز کند و خود یا دیگران در مقام ارزیابی، علت آن را تشخیص ندهند.

روند قرآنی، این اوقات را «عورات: شرمگاه‌ها» نامیده است، بدان جهت که معمولاً شرمگاه‌های بدن انسان در آن‌ها پیدا می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۴۷۰). در این اوقات سه‌گانه باید خدمتکاران و کودکان تشخیص دهنده‌ای که بالغ نگردیده‌اند، اجازه بگیرند تا چشمشان به شرمگاه‌های اهالی خانواده نیفتد. این آداب و رسومی است که چه بسا بیشتر مردمان در زندگی خانوادگی، آنها را مهم نمی‌دانند و تأثیرهای روانی، عصبی و اخلاقی آنها را ناچیز می‌پندارند و گمان می‌برند خدمتکاران به شرمگاه‌های سروران خود نگاه نمی‌کنند یا کنجکاو نمی‌شوند! یا کودکانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند متوجه چنین مناظری نمی‌گردند! در صورتی که دانشمندان علم‌النفوس می‌گویند برخی از صحنه‌هایی که چشمان کودکان در کوچکی به آنها می‌افتد، در سراسر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد و چه بسا آنان را به بیماری‌های روانی و عصبی مبتلا سازد که بهبودی آنها دشوار خواهد بود (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۹۴؛ ابن الجوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۱۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۹؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۸، ص ۲۹۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۸، ص ۲۹۰).

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که چرا قرآن کریم این زمان‌های سه‌گانه را اختصاص بخشیده و اوقات دیگر را جزو آنها نشمرده است؟ جواب این است که چون گمان کشف عورت و احتمال برهنگی در این وقت‌ها می‌رود، اجازه خواستن خدمتکاران و کودکان را در این زمان توصیه کرده است. زیرا معمولاً خدمتکاران و کودکان بسیار به نزد اهالی در محیط خانه می‌آیند و می‌روند، چون سن و سالشان کم است یا به خدمت مشغول هستند. به تعبیر قرآن کریم «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» یعنی آنان در اطراف شما در گردش و رفت و آمد هستند و شما نیز در حوالی ایشان در رفت و آمد هستید (خازن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۰۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۷). البته در بعضی مناطق که چنین اوقات استراحتی برای والدین پیش

می‌آید یا امور زیستی و معیشتی، اقتضای آنها را نمی‌کند، طبیعتاً از این قاعده مستثنا خواهد بود. بنابراین لازم است فرزندان، پدر و مادر خود را، در نیکوترین حالت‌های عفت و پاکدامنی مشاهده کنند و هیچ‌گاه عورت ایشان جلوی فرزندانشان آشکار نشود تا از همان اوان کودکی ذره‌ای خدشه به مسأله حیا، که در وجودشان قرار دارد، وارد نشود. در نتیجه در ذهن آنان چنین تصویری نیاید که این امر فرایندی عادی است و رعایت یا عدم رعایت آن یکسان است و اینک یا بعدها که بزرگ‌تر شدند، آزادی آن را دارند که به هر عضوی از اعضای بدن هر فردی، خودی یا غیرخودی، محرم یا نامحرم، نگاه کنند. یا هر صحنه مربوط به امور جنسی یا شرمگاه‌ها را تماشا نمایند و هیچ خط قرمزی را در نظر نگیرند! بنابراین مشاهده یا تماشا کردن هر شیئی از اشیاء، اعم از اعضای بدن انسان یا تصویر آن‌ها، صرف نظر از انگیزه‌های گوناگون، زینده هر کسی نیست. زیرا پی‌آمدهای تلخی خواهد داشت که بر داناان پوشیده نیست. از این رو بسیار به جاست که مسلمانان این آموزه قرآنی را از دوران طفولیت فرا گیرند که از همان زمان انجام دادنش آسان و عملی بوده و به هنگام بزرگی برای آنان دشوار نباشد. در این صورت در فکر و بینششان رسوخ می‌کند که نگاه‌ها را باید کنترل کرد و آنجا را که نباید دید، نبینند و به آن نیندیشند. به ویژه در زمان معاصر که با پدیده‌های جدید در عرصه جهانی همچون: اینترنت، ماهواره و انواع ابزارهای اطلاع‌رسانی و ارتباط سریعی، که روز به روز بر تعداد و پیشرفتشان افزوده می‌گردد، مواجه می‌شوند و در آن وقت دیگر نمی‌توانند تعامل شایسته را با آنها داشته باشند.

از این رو بسیاری مفسران در این باره می‌گویند که واجب است پدر و مادر در ظاهری متین و پرهیزگارانه، که نمایان‌گر عفاف و پاکی است، در جلو فرزندان ظاهر شوند تا الگوی حسنه قرار بگیرند (این کثیر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۸۱؛ سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۸؛ شادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ناصح علوان، ج ۲، ص ۴۷۹؛ شعرای، ۱۹۹۷، ج ۱۷، ص ۱۰۳۲۹). چنین تربیت مطلوب در امور جنسی که هزینه بردار و دشوار نیست، از آموزه‌های غنی و درخشان اسلام است.

شایان ذکر است همان طور که فرزندان با توجه به عللی که گذشت نباید در اوقات یادشده وارد اتاق پدر و مادر شوند، والدین نیز باید از ظاهر شدن در برابر کودکانشان به صورت برهنه یا نیمه برهنه یا زننده و مهیج به شدت خودداری کنند. اعمال و حرکات مربوط به مسائل زناشویی را در مقابل آنان انجام ندهند و به این مسائل ظاهراً بی‌اهمیت، به چشم حقارت نگاه نکنند!

تجارب علمی برای دانشمندان ثابت کرده است که آیین فطرت و برنامه خلقت چنین مقرر داشته است که غریزه تمایل جنسی کودک در سنین قبل از بلوغ باید در پرده اختفا و خمود باشد و مانند آتشی در زیر خاکستر پنهان بماند. برنامه صحیح تربیت کودک همان است که به راه فطرت برود و از آیین طبیعت پیروی کند و عملاً وسایل پنهان ماندن غریزه جنسی کودک نابالغ را در محیط زندگی اش فراهم آورد (فلسفی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۴۸). مشاهده برهنگی‌ها و شرمگاه‌های والدین به وسیله کودکان، ارتباط تنگاتنگی با تحریک غریزه جنسی آنان دارد و عاملی بسیار قوی برای آن است که با تأسف بسیاری از افراد مسلمان یا نسبت به آن غافلند یا تسامح می‌کنند! اما قرآن کریم حقایق امور انسانی و طبیعی را بی‌پرده و با بیان نکات جزئی بازگو کرده است و هر فرد یا جامعه‌ای اگر آنها را پیاده کند، به فواید آن هم می‌رسد. برای همین نکات است که در آخر آیه مذکور آمده است که این چنین خداوند آیات را برای شما تبیین

می‌کند و خداوند دانای فرزانه است.

ب) نخواستن فرزند در اتاق خواب والدین

مطلب دیگری که از این آیه استنباط می‌شود و احادیث وارده نیز بیان داشته‌اند این است که باید در خانه، محل خواب فرزندان و والدین از یکدیگر جدا باشد و نباید از امور مربوط به اوقات خواب و استراحت همدیگر، باخبر باشند ممکن است، در شرایط دشوار زندگی کردن در منازل کوچک و به اصطلاح امروزی «آپارتمانی» یا به دلیل برخی عوامل عاطفی که والدین درباره فرزندان دارند یا از روی ناآگاهی، خوابیدن فرزندان در کنار والدین در شب یا به هنگام استراحت ظهر صورت گیرد. چنین کاری به دور از احتیاط و خرد است. زیرا کودکان، همیشه در حال خواب به سر نمی‌برند و گاهی اوقات خود را به خواب می‌زنند، در حالی که بیدارند و نسبت به حرکات و کلماتی که از والدین سر می‌زند کنجکاو می‌شوند. همین امر موجب تحریک جنسی یا تشویش فکر آنان و مسائل دیگر می‌گردد.

گاهی هیچ چیز مانع از این امر نمی‌شود، زیرا ممکن است کودکان با صداهای کوچک از قبیل تکان خوردن رخت خواب یا کوچک‌ترین تماس بدنی از خواب بیدار می‌شوند. همچنین ممکن است در بسیاری موارد، به دلیل سهل‌انگاری و یاد نگرفتن آداب اجازه گرفتن برای ورود به اتاق استراحت پدر و مادر، زمینه‌هایی از انحراف جنسی در آنان به وجود آید؛ یعنی ممکن است اتاق خواب یا مکان استراحت پدر و مادر جدا باشد، ولی به این علت که هر لحظه، ممکن است فرزندان بدون اجازه وارد شوند و آنها را در وضعی غیر معمول [و غیرمنتظره برای آنان] مشاهده کنند، این امر موجب پیدایش انحرافات جنسی بعدی در آنان می‌شود. (ر.ک: شادی، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ الصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا» (خرائطی، ۱۴۱۳، ص ۲۰۰؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹۵)؛ مبادا از شما، مردی با همسر خویش در حالی که کودک در گهواره به آن دو می‌نگرد آمیزش جنسی کند. از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: «إِيَّاكَ وَالْجُمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ حَالَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹۳)؛ بپرهیز از نزدیکی کردن با همسرت در جایی که کودک ممیزی به تو نگاه کند که به خوبی حالت را برای دیگران وصف کند.

پدران و مادران، باید مسائل یاد شده و امور مشابه دیگر را جدی بگیرند و فرزندان خود را عادت بدهند که برای وارد شدن به اتاق، اجازه بگیرند. از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می‌شود، خوابیدن زن و مرد در محلی است که بچه‌های ممیز می‌خوابند. این امور از نظر تربیتی در سرنوشت آنها بسیار مؤثر است. البته اگر در محل زندگی خانواده‌ها به ناچار یا به هر علت دیگری، جای خواب والدین جدای از محل خواب کودکان نباشد و همگی در محلی عمومی استراحت می‌کنند، دیگر نیازی به اجازه گرفتن کودکان نیست، اما خود والدین باید آن مسائل را به دقت رعایت کنند.

مرحله سوم: بعد از سن بلوغ

این مرحله، دو بخش است:

فاصله سنی ۱۰ تا ۱۴ سالگی، که به سن نوجوانی مشهور است.

بعد از ۱۴ سالگی که دوره جوانی و بزرگسالی است.

این دو مقطع سنی از لحاظ شروع تحریکات جنسی و وارد شدن به دنیای بلوغ و احتلام، یکسان هستند. نکته تمایزشان آن است که معمولاً در سن نوجوانی، ازدواجی صورت نمی‌گیرد و تا هُل نوجوانان کم است، مگر به ندرت؛ اما جوانی مرحله ورود به دنیای تا هُل نیز هست. از این رو می‌توان بررسی آنها را در این دو مقطع سنی مطرح کرد. چون موضوع این مقاله پیرامون آموزه‌های اسلامی در تربیت جوانان است و با توجه به موضوع مشترک این دو مرحله سنی یعنی وجود تحریکات جنسی و احتلام و همچنین مشترک بودن راهکارها، بنابراین در یک جا بررسی می‌شود:

فاصله سنی ۱۰-۱۴ سالگی، که به سن نوجوانی مشهور است.

قرآن کریم با توجه به حساسیت این مقطع سنی، راهکارهایی طبیعی و ملموس در فرهنگ زندگی، جهت برحذر داشتن فرزند از تحریکات جنسی بیان کرده است که در اینجا به سه روش پیشگیرانه از آنها اشاره می‌شود. شایان ذکر است که اسلام تمرین و مسائل تربیتی را از محیط کوچک خانه توصیه کرده و پیاده کردن آنها یا نظایرشان را در فضای بزرگ‌تر ارشاد نموده است، به طوری که هر فرد تربیت یافته در محیط خانواده، وقتی وارد اجتماعات گسترده‌تری می‌شود یا امور و حوادث مشابه را می‌بیند، آگاهی و زمینه مقابله درست و شایسته با آنها را دارد.

راهکار اول: اجازه گرفتن برای ورود به خانه‌ها

چگونگی اجازه ورود به خانه‌های دیگران و آداب نگاه کردن از رهنمودهای اکید قرآن کریم و احادیث است که مقدمه این رفتار اسلامی و شیوه استیذان (اجازه گرفتن) قبل از این مرحله سنی باید به وسیله والدین به اجرا گذاشته شده باشد. آن‌جا که بیان فرمود کودکان قبل از این که به سن بلوغ برسند، باید در سه نوبت اجازه بگیرند، این مطلب، حکمت تشریح را می‌رساند که تعلیم و تربیت باید مرحله به مرحله و متناسب با مقطع سنی، صورت بگیرد؛ که اگر والدینی دستور قبلی را اجرا کرده باشند، پذیرفتن این مرحله برای نوجوان بسیار راحت‌تر است و رفتار نامأنوسی به حساب نمی‌آید، در این مرحله سنی می‌فرماید ورود به خانه دیگران به صورت کلی باید با اذن دخول باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور/۲)؛ ای مؤمنان، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا این که آشنایی دهید و اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید پند پذیرید.

استیناس از ماده "انس" است و معنای اجازه همراه با محبت، آشنایی و صداقت را می‌رساند. این نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه، دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد و باعث الفت شود (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۶؛ صابونی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۲۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۸). با بررسی این

جمله، می‌بینیم که بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده و مفهومش این است که فریاد نکشید، در را محکم نکوبید و با عبارت‌های خشک و زنده اجازه نگیرید و هنگامی که به شما اجازه داده شد وارد شوید، ولی بدون سلام وارد نشوید، سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام‌آور محبت و الفت است. در آیه بعد این دستور تکمیل می‌شود: « فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور/۲۸)؛ اگر کسی را در آنها نیافتید داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود، و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید، که برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

ممکن است منظور از این تعبیر آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند، ولی کسی که باید به شما اذن دهد و صاحب اختیار باشد حضور ندارد؛ شما در این صورت حق ورود نخواهید داشت. یا این که کسی در خانه نیست، اما ممکن است صاحب‌خانه در منزل همسایگان یا نزدیک آن محل باشد و هنگامی که صدای در زدن یا صدای شما را بشنود بیاید و اذن ورود دهد، در این موقع حق ورود دارید. آنچه مطرح است این است که بدون اذن داخل نشوید.

سپس اضافه می‌کند (اگر به شما گفته شود بازگردید، این سخن را پذیرا شوید و بازگردید، که برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است) این جمله اشاره به این دارد که هرگز جواب رد، شما را ناراحت نکند، چه بسا صاحب‌خانه در حالتی است که از دیدن شما در آن حالت ناراحت می‌شود یا وضع او و خانه‌اش آماده پذیرش مهمان نیست. از آنجا که به هنگام شنیدن جواب منفی گاهی حس کنجکاوی افراد تحریک می‌شود و به این فکر می‌افتند که با پنهانی نگاه کردن یا مخفیانه گوش فرا دادن، اسرار درون خانه را کشف کنند، از این رو در ذیل همین آیه می‌فرماید: «خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۳۰۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۱۸؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۴۲۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۰۶؛ جزائری، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۵۹۰). همه این‌ها جایگاه این آموزه‌ها را روشن می‌سازد و هر صاحب‌خردی را به عظمت آن‌ها رهنمون می‌شود.

بخشی از آداب معاشرت، یعنی طرز ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن، عبارتند از: ۱. برای ورود به خانه‌ای غیر از خانه خود انسان، باید اجازه گرفت و قصد ورود خود را از قبل به اطلاع صاحب‌خانه رساند و موافقت آنها را جلب کرد؛

۲. باید بر اهل آن خانه سلام کرد؛

۳. اگر کسی در آن خانه نباشد ورود اغیار به آن ممنوع است، تا وقتی که اجازه داده شود؛

۴. اگر گفته شود برگردید، باید برگشت؛

۵. مرتبه اجازه خواستن و کیفیت آن هم در حدیث نبوی زیر در سه بار در زدن یا به نحوی آگاه کردن روشن شده است:

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «اجازه خواستن، سه مرتبه است: «الْأَسْتِثْذَانُ ثَلَاثٌ: بِالْأُولَى يَسْتَنْصِتُونَ، وَبِالثَّانِيَةِ يَسْتَصَلِحُونَ، وَبِالثَّالِثَةِ يَأْذَنُونَ أَوْ يَرُدُّونَ» (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۸۱؛ مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۲۹؛ صابونی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ طوسی، ۱۲۰۹، ج ۷، ص ۳۲۹؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۵۴)؛ اجازه خواستن سه مرحله است اجازه اول، برای ساکت شدن اهل منزل [ازگفت‌وگویی خصوصی خود]، اجازه دوم، برای آماده

شدن آنان و اجازه سوم، تعیین تکلیف است، که یا اجازه ورود می‌دهند یا برمی‌گردانند» تحلیل این رهنمود چنین است:

الف) اولین بار جهت سکوت اهل منزل تا مطمئن شوند، آیا کسی اجازه ورود خواست یا خیر؟ زیرا ممکن است در آنجا کاری یا پیشامدی ایشان را به خود مشغول داشته که مانع از شنیدن صداهای بیرون شود.

ب) دومین بار که اجازه ورود خواسته شود؛ آن را شنیده و در این مرحله خود را آماده می‌کنند. چه بسا همان‌گونه که گذشت شرمگاهی پوشیده نباشد، یا یکی از افراد منزل در وضع غیرعادی قرار داشته باشد و بخواهد خود را مرتب کند یا این که بچه‌ای کوچک دارند که احتیاج به تمیزکردن داشته باشد یا هر امری دیگر از این قبیل.

ج) در مرتبه سوم یا اذن ورود می‌دهند یا نمی‌پذیرند و رد می‌کنند که هر یک از آن دو احتمال باید بدون هیچ ناراحتی پذیرفته شود. در صورت رد بودن در خواست ورود، در مقام کنجکاوی و ناراحتی احتمالی باید خود را قانع و توجیه کرد، زیرا ممکن است مسائل خصوصی و خانوادگی باشد که افشا شدن آنها شایسته نیست.

در حدیث دیگری که چگونگی اجازه خواستن را از رسول خدا^(ص) پرسیده‌اند، آمده است: «یا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْاسْتِئْذَانُ؟ قَالَ: يَتَكَلَّمُ الرَّجُلُ بِالتَّسْبِيحَةِ وَ التَّحْمِيدَةِ وَ التَّكْبِيرَةِ وَ يَتَنَحَّنِحُ وَ يُؤْذِنُ أَهْلَ الْبَيْتِ (طریحی، ۱۳۶۲ ج ۴، ص ۴۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۲۸؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۷۳): ای رسول خدا، اجازه گرفتن به چه صورت است؟ فرمود: هرکس (که قصد ورود دارد) باید سخنی در تسبیح یا تحمید یا تکبیر خدا گوید یا به صورت صاف کردن سینه سرفه کند و اهل خانه را خبر دهد. مانند گفتن «یا الله» برای یک یا چند بار، که در فرهنگ ما متداول است.

۶. برای ورود بر محارم نیز باید اجازه گرفت:

در بعضی روایات وارد شده است که وقتی انسان می‌خواهد وارد خانه مادر، پدر یا حتی فرزند خود شود، اجازه بگیرد؛ مانند این نمونه که مردی از پیامبر اکرم^(ص) پرسید: آیا هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری، عرض کرد مادرم غیر از من خدمت‌گزاری ندارد باز هم باید اجازه بگیرم؟! رسول خدا فرمود: أَنْجِبُ أَنْ تَرَاهَا عَرِيَانَةً؟! آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟! عرض کرد: نه، آن حضرت فرمود: فَاسْتَأْذِنْ عَلَيْهَا: اکنون که چنین است پس، از او اجازه بگیر (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵۸۶؛ صابونی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۳۶).

۷. نباید به خانه دیگران نگاه کرد، زیرا ممکن است در طی نگاه کردن، صحنه‌هایی مشاهده شود که مسائل حادی را چه برای نگاه‌کننده و چه برای اهل آن خانه ایجاد کند. از جمله آن‌ها مسائل مربوط به غریزه جنسی و امور اخلاقی باشد؛ از این رو در آموزه‌های حدیثی چنین کاری به شدت منع شده و حتی کیف‌رفهایی برای آن در نظر گرفته شده است. رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ امْرَأَةً اطَّلَعَ عَلَيْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ فَقَدْ فُتِنَتْ بِحَصَاةٍ فَقَفَّاتٌ عَيْنُهُ، لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ جُنَاحٌ» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۷؛ نسائی، ۱۳۴۸، ج ۸، ص ۶۱؛ خرائطی، ۱۴۱۳، ص ۳۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۹۲): اگر کسی بدون اجازه تو، بر سرتی (از سرارت) آگاهی یابد و تو (در این حال) او را با سنگ زدی و چشمش را کور کردی بر تو باکی نیست. در کتب

فقهی و روایی آمده است اگر کسی عمداً به داخل خانه مردم نگاه کند و به صورت یا تن برهنه زنان بنگرد، آنها می‌توانند در مرتبه اول او را نهی کنند، اگر خودداری نکرد، می‌توانند با سنگ او را دور کنند، اگر باز اصرار داشته باشد، با آلات قتاله می‌توانند از خود و نوامیس خود دفاع کنند و اگر در این درگیری شخص مزاحم کشته شود، خونش هدر است. البته باید به هنگام جلوگیری از این کار، سلسله مراتب را رعایت کنند؛ یعنی تا آنجا که طریق آسان‌تر امکان‌پذیر است، از راه خشن وارد نشوند (رک به: مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۴۳۳).

۸. از دستورهای شرعی در استیذان این است که دیدارکننده نباید مستقیم جلوی درب بایستد، بلکه باید به سمت چپ یا راست برود، درباره پیامبر اکرم (ص) نقل است که هرگاه به دیدن کسی در خانه‌اش می‌رفتند، به صورت مستقیم جلوی درب قرار نمی‌گرفتند، بلکه به سمت چپ یا راست درب متمایل شده و می‌فرمودند: «السلام علیکم؛ السلام علیکم» (ابو داود، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۴۸؛ بغوی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۱۹۸).

در این باره نکات تربیتی فراوانی وجود دارد؛ از جمله آن‌ها این‌که: خداوند منازل را مسکن انسان‌ها قرار داده تا اجسام و ارواحشان نیز در آنجا ساکن گردند و از جانشان اطمینان داشته باشند و از کشف عورات و محارم‌شان در امان باشند و در آنجا لباس‌های معمولی را برای استراحت، از تن به درآورده و چیزهایی را که باعث فشار بر اعصاب می‌گردد، از خود دور می‌کنند؛ منازل هیچ‌گاه چنین نخواهد شد، مگر این که حریمی امن باشد و بیگانه‌ای به آن حریم وارد نگردد، مگر با اطلاع و اجازه اهل آن منزل. اما در مواقع عادی اگر بخواهند که مردم با آنها ملاقات کنند و وارد منازل آنها شوند (و آمادگی پذیرش مهمان) را داشته باشند؛ اشکالی ندارد که بدون اجازه وارد شوند، ولی مباح دانستن ورود، بدون اجازه و در نظر نگرفتن وضعیت ساکنان، ممکن است موجب آشکار شدن عورات ساکنان منزل شود و چشم تازه‌واردها بر آن بیفتد و برانگیختن شهوت را فراهم آورد؛ بنابراین، پیش می‌آید که صاحب‌خانه را به همراه همسرش در حالتی مشاهده کنند که روا نیست کسی آنان را در آن وضعیت ببیند، یا یکی از زوجین را در وضع نامناسبی مشاهده کنند و بدین‌وسیله موجبات آزار و اذیت صاحب‌خانه را فراهم آورده و حرم امن منازل را شکسته، آرامش ساکنان را بر هم زنند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۸۱).

به دلیل همین مسائل، خداوند متعال مسلمانان را به این اخلاق والا، متأدب فرمود: آداب اجازه گرفتن برای ورود به منازل دیگران و سلام کردن بر ساکنان آن برای شناسایی و ایجاد انس و دور شدن ترس و دلهره از دل‌هایشان است. و خداوند از استیذان (اجازه خواستن) به استیناس (طلب انس و الفت) تعبیر فرموده که جانی تازه و روح‌انگیز به واژه «استیذان» می‌بخشد و باعث انس و آرامش در دل ساکنان منزل می‌گردد و آن‌ها را برای پذیرایی از تازه‌وارد آماده می‌گرداند. این تعبیر الفتی مخصوص و لطیف است جهت رعایت احوال و رعایت وضعیت مردم در منازلشان (همان).

شایان ذکر است که چشم فروهستن، از پیامدهای «استیذان» است. رسول خدا می‌فرماید: اَمَّا جُعِلَ الْاِسْتِثْذَانُ لِاجْلِ الْبَصَرِ (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۵۴؛ ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۶۴)؛ اجازه گرفتن برای این مقرر گردیده است، تا چشم (که پیام رسان دل است) نبیند (آنچه را که نباید ببیند).

راهکار دوم: خواباندن کودکان در یک بستر

از خوابیدن کودک پس از ۱۰ سالگی همراه با برادران و خواهران خود در یک رخت خواب ممانعت شود. در این مسأله نکات تربیتی فراوانی وجود دارد که متاسفانه بیشتر مردم و خانواده‌ها از آن غافلند، اما آموزه‌های دینی آنها را بیان داشته‌اند. رسول خدا^(ص) در این باره فرموده‌اند: «الْصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ، وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ» (صدوق، ۱۳۹۰، الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۶): رخت خواب پسر از پسر و دختر از دختر و دختر از دختر از هم جدا شود. در رهنمود دیگری پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَاضْرِبُوهُمْ وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۱۱؛ بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۴۴؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۴۸؛ صدوق، بی تا، ج ۷، ص ۱۴۷؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۴؛ ابی داود، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۳؛ امینی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۴۶۱): فرزندان تا در سن هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید، اگر به سن ده سالگی رسیدند (و از انجام نماز سر باز زدند) آنان را به دلیل این سرپیچی (آهسته و به قصد تأدیب) بزیند و بستریشان را از همدیگر جدا سازید. بر این اساس والدین مأمور شده‌اند که وقتی فرزندانشان به سن ده‌سالگی رسیدند آنان را در یک رخت خواب خوابانند؛ زیرا امکان دارد تماس جسمی و رؤیت عورت یکدیگر در حالتی که یکی خواب و دیگری بیدار است یا هر دو بیدارند موجب تحریک جنسی و فساد اخلاقی شود. این دلیل قاطعی است بر این که اسلام اولیا و مربیان خود را توصیه می‌کند که این آداب را به خوبی به کار گیرند تا عزیزانشان در آینده دچار انحراف اخلاقی نگردند، بلکه بر اساس فضیلت و اخلاق والا تربیت شوند.

راهکار سوم: پرهیز از عوامل تحریک کننده جنسی و محرک‌ها

اسلام به خطر تحریک جنسی واقف است و با توجه به حساسیت این مرحله سنی، به مربیان و اولیا امر می‌کند که فرزندان خود را از برانگیختن احساس جنسی بر حذر دارند و از تحریک میل جنسی جلوگیری کنند. اگر این میل در نوجوانی به هیجان آید، جلوگیری از عواقب بعدی کار بسیار دشواری است؛ از این رو، باید در این مورد به اصل پیشگیری، بسیار بیشتر از درمان توجه داشت. در بیشتر اوقات، رفتار مخاطره‌آمیز جنسی از نگاه شروع می‌شود و جوان بر اساس قوه تخیل، آنچه را که دیده است صحنه‌سازی می‌کند و با پروراندن آن در ذهن و با کمک خیال آن را تشدید می‌کند و در نهایت منجر به عملی کردن تخیل ذهنی‌اش می‌شود. بنابراین چشم، پیام‌رسان دل است و آنچه را که دیده است به دل می‌رساند و ذهن براساس آن برنامه‌ریزی می‌کند. به همین دلیل چشم فروهستن، از مهم‌ترین عوامل پیشگیری است. در مقابل، یکی از عوامل تحریک کننده جنسی، چشم‌چرانی است که زمینه‌ساز گناهان بزرگ‌تر است. بر همین اساس است که شریعت اسلام در راستای جلوگیری از فتنه و فساد، چشم‌چرانی را منع کرده است؛ زیرا زمینه را برای گناهان بیشتر فراهم می‌سازد. خداوند متعال مردان و زنان مؤمن را به کوتاه کردن نگاه فراخوانده و می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ . وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»

«... (النور/آیه ۳۰-۳۱)؛ (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو (نگاه) چشمان خود را (به نامحرم) فروکش کنند و عفت خود را نگه دارند. این برای آنان پاک‌تر است. بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است و به زنان مؤمن بگو: (نگاه) چشمان خود را (از نامحرمان) کوتاه کنند و دامنشان را مصون بدارند.

این بدان معنا است که چشم فرو بستن یا کوتاه کردن، نقش مهمی در پاکی نفس و شخصیت و دوری از فساد اخلاقی دارد. پرهیز از نگاه به نامحرم، یکی از آداب ارزشمند اسلامی است و رفتار متمدانه نیز از لوازم حیا و شرم است و حیا و شرم بخشی از ایمان به شمار می‌روند (ناصح علوان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۷۸). نگاه‌های گذرا و بدون قصد، در صورت تکرار هدفدار شده و بعدها آگاهانه می‌شود. در نتیجه امیالی که بر اثر نگاه‌های اولیه و غیرعمد ایجاد شده است تحریک و بیدار می‌شوند و به سوی انگیزش‌ها و روابط گناه‌آلود یا به سوی شهوات حرام سوق داده می‌شود. بازتاب این رفتارها، عقده‌های روحی و انحرافات جنسی و اخلاقی است. در جاهلیت قبل از اسلام، مردم بدون اجازه و اطلاع صاحب‌خانه هر منزلی و در هر موقعی که می‌خواستند با حالت هجومی وارد می‌شدند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۸۸۱). اما تعالیم اسلام، آداب و ضوابطی سازنده مطرح کرد. از جمله آنها، همین مطالب مورد بحث است. مسأله چشم‌چرانی آنقدر مهم است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم مسلمانان را از نگاه به نامحرم برحذر داشته و عواقب خطرناک آن را یادآور شده‌اند. آن حضرت به نقل از خداوند می‌فرماید: «نگاه به نامحرم تیری از تیرهای ابلیس است، هرکس آن را به خاطر رضایت من ترک کند، ایمانی را به او ارزانی می‌دارم که لذتش را در قلب خود احساس می‌کند» (صدوق، بی تا، ج ۴، ص ۱۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۴۹).

با توجه به آیه ۳۱ سوره نور، و سخن پیامبر اکرم، پسر هنگامی که به سن نوجوانی و نزدیک آن، یعنی بالاتر از ۹ سالگی رسید، روا نیست به مکانی وارد شود که زنان نامحرم و بی‌حجاب حضور دارند. زیرا بین زشت و زیبای زنان تفاوت قائل می‌شود و در صورت دیدن مناظر محرک، شهوت جنسی او تحریک می‌گردد (ناصح علوان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۷۹).

برخی‌ها تصور می‌کنند چشم‌چرانی، اختلاط آزاد دختران و پسران و سخنان کذائی با یکدیگر، شوخی‌های بی‌پرده و دیدن بخش‌های پوشیده بدن که موضع تحریک شهوت و لذت جنسی است. همه این‌ها نوعی تسکین است و باعث نشاط می‌گردد و در نتیجه تمایلات سرکوب شده رها می‌شود. همچنین نوعی پیشگیری از ایجاد عقده‌های روانی است و از فشار غریزه جنسی می‌کاهد و از شدت سایر عواملی که دوری از آنها اجتناب‌ناپذیر است، کاسته می‌شود. کسانی که به چنین نظریات و افکار باطلی استناد می‌کنند، فراموش کرده‌اند که تمایل زن و مرد به یکدیگر احساسی عمیق و فطری است که در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده است تا حیات انسانی بر روی زمین ادامه پیدا کند و خلافت انسان در آن تحقق یابد. پس احساس جنسی نوعی تمایل است که گاهی شعله می‌کشد و زمانی فروکش می‌کند و برانگیختن آن در هر لحظه سبب افزایش شدت آن می‌گردد و در نهایت آدمی را مجبور می‌سازد که این آتش برافروخته را از وجود خود بیرون بفرستد و به اصطلاح خود را تخلیه کند، اگر این تخلیه با رابطه جنسی برآورده نشود، رنجش عصبی حاصل می‌گردد و فردی که تحریک شده است در معرض شکنجه همیشگی قرار می‌گیرد. (ر.ک: ناصح علوان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۶۵).

با توجه به دامنه گسترده چشم چرانی و مصادیق فراوانش که شاید خانواده‌ها اصلاً متوجه آن نباشند که از عوامل تحریک جنسی و تخریب کننده اخلاق جوانان نشان است، به سه مورد در این باره اشاره می‌رود: الف) در دنیای دهکده شده امروز با توجه به گسترش دنیای الکترونیک و اختلاط فرهنگ‌ها، زمینه بیشتری برای گناه چشم چرانی فراهم شده است. خانواده‌هایی که به سبب سهل‌انگاری به تماشای فیلم‌هایی می‌نشینند که دیدن آنها برای فرزندان بسیار زیان‌بار است. در این خانواده‌ها پدران و مادران، موجبات انحراف، پراکندگی حواس و فشارهای روحی را در فرزندان فراهم می‌آورند که قبل از هرکس، خود باید تاوان این بی‌توجهی را بپردازند (سادات، ۱۳۷۶، ص ۸۸ تا ۹۰).

ب) طرز لباس پوشیدن و آرایش مادران و خواهران نباید چنان باشد که زمینه انحراف را در پسران نوجوان فراهم آورد. بیشتر مادران به این نکته توجه نمی‌کنند و تنها به این علت که آن‌ها به پسران خود محرم هستند، حدود لازم را به کلی نادیده می‌گیرند. چه بسا ایشان، فرزندان خود را از نیازهای جنسی و توجه به این نیازها مبرا می‌دانند، اما حقیقت این است که با آمادگی‌های فوق‌العاده‌ای که نوجوان در این زمینه دارد، با هر جرقه‌ای ممکن است این آتش زیر خاکستر در درون او شعله‌ور شود و کار را دشوار سازد. ج) در روابط خانوادگی و ارتباط بین بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها یا خود کوچک‌ترها با یکدیگر، ضوابط خاص بازدارنده از تحریک میل جنسی در آموزه‌های حدیثی وجود دارد که شایسته است به آنها توجه شود. از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتِهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتًّا سَنِينَ شُجْبَةٌ مِنَ الزُّنَا» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۳، ؟؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۳)؛ دست کشیدن زن بر اعضای حسّاس دختر شش ساله‌اش، بخشی از عمل منافی عفت است و یا اینکه فردی از امام صادق (ع) سؤال کرد: دختری شش ساله نزد من است که بین من و او نسبتی نیست. امام فرمود: او را در آغوش قرار نده و او را نبوس (همان). آموزه‌های مشابه فراوان دیگری وجود دارد که همه دلالت بر ارائه آداب اخلاقی و تربیتی فرزندان در سال‌های کودکی و نوجوانی دارد.

۲. جوانی و بزرگسالی؛ این مرحله که در ادامه مرحله قبلی است علاوه بر راهکارهای گفته شده در مراحل قبل، روش‌های دیگری نیز وجود دارد که از تکرار مکررات خودداری می‌شود. به اصطلاح اهل منطق نسبت بین راه حل این دوره (جوانی و بزرگسالی) و راهکارهای مراحل قبل، عموم و خصوص مطلق است که هر آنچه به عنوان موارد پیشگیری ذکر شد برای این مرحله نیز هست، اما راهکارهایی که برای این مرحله سنی بیان می‌شود، برای ادوار سنی قبل کاربرد ندارد و اصولاً قضیه، سالبه به انتفاع موضوع است.

راهکار شرع برای پیشگیری از انحراف جنسی در این مقطع سنی

الف) ازدواج به موقع و زود هنگام.

روش‌های حساب شده مختلفی در قرآن کریم و احادیث، برای پیشگیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شد که هر يك از آنها تاثیر به سزایی در پیشگیری یا مبارزه با این شائبه‌ها دارد. در ادامه (این مرحله سنی) به یکی دیگر از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزه با فحشا که ازدواج آسان و بی‌تکلف است اشاره می‌شود. زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز وارد شد و به تعبیر دیگر هیچ‌گونه "مبارزه منفی" بدون "مبارزه مثبت" مؤثر

نخواهد افتاد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلًا لِّثَلَاثٍ وَرُبَاعٍ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء/ ۳)؛ با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنانتان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفا کنید؛ همچنین می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (النور/ ۳۲، ۳۳)؛ مردان و زنان مجرد خود و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خویش را به ازدواج بکدیگر درآورید، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را در پرتو فضل خود توانا و بی‌نیاز می‌گرداند و خداوند گشایش‌گر داناست.

«آیامی» جمع «ایم» (بر وزن قَیم) در اصل به معنای زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است. به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخل هستند، خواه بکر باشند یا بیوه. (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۱۶۵؛ طبرسی، ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۳۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۷).

تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید)، با این که ازدواج امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید؛ یعنی در صورت نیاز، از طریق کمک‌های مالی یا پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران شدنی نیست، ازدواج جوانان را مهیا سازید. مفهوم آیه به قدری وسیع است که هرگونه قدمی و سخنی و عمل سزاواری را در این راه شامل می‌شود.

اسلام با قوانین حکیمانه و حساب شده‌اش طریق روشنی جهت انتخاب همسر، پیش پای زن و مرد قرار داده است، تا با گزینشی درست و منطبق بر اصول از پیش تعیین شده، تحقق محبت و تفاهم زندگی آینده خویش را تضمین کنند و در نتیجه از مشکلات فراوان خانوادگی و جدال‌های فرساینده داخل خانه به دور باشند و به آرامشی که در ازدواج نهفته است دست پیدا کنند. شایان ذکر است که برای یک همسر خوب و صالح (چه زن و چه مرد) در قرآن کریم و احادیث مطالب زیادی وارد شده است که در حوصله این مقاله نیست.

در رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرماید: «یا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ آغْصُ لِلْبَيْتِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ...» (نسائی، ۱۳۴۸، ج ۴، ص ۱۷۰؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۶۹)؛ ای گروه جوانان، هر کس از شما که توانایی ازدواج دارد، ازدواج کند. زیرا که نگاه را کوتاه و دامن را پاک می‌سازد....

ب) آموزش آداب استعفاف (عفت طلبی) به جوانانی که توانایی ازدواج ندارند.

ممکن است امکانات ازدواج فراهم نگردد و فرد مجبور شود مدتی را با محرومیت از این اصل انسانی بگذراند، از این رو باید توجه داشت مبدا کسانی که در این مرحله قرار دارند گمان کنند آلودگی جنسی برای آنها مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می‌کند. به همین دلیل است که بلافاصله در آیه بعد، دستور پارسایی را هر چند ممکن است قدری دشوار باشد به آنها می‌دهد «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (النور/ ۳۳)؛ آن‌ها که امکانات ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند، تا خداوند

آنان را با فضلش بی نیاز سازد.

پس شایسته است در این مرحله بحرانی که معمولا جوانان در اوج غریزه هستند، تن به آلودگی در ندهند و خود را معذور نشمرند، بلکه در مواظبت از پاکی نفس، تلاش بیشتری از خود نشان دهند و ایمان و تقوای خویش را با بهره‌گیری درست، منطقی و سازنده از غرایز طبیعی تقویت کنند. آنچه در پایان، اشاره به آن ضرورت دارد این است که با توجه به توسعه و گسترش جوامع بشری که دنیای امروز پیدا کرده، و وسایل ارتباط جمعی و فضاهای مجازی، به ویژه ماهواره و اینترنت، در جای جای زندگی مردم مطرح شده است، اولیا و سرپرستان فرزندان، مسئولیت بیشتر و قوی‌تری دارند. ممکن است در خیلی جاها مراقبت از فرزندان در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی از توان آنان خارج باشد؛ در این صورت مسئولیت بیشتر متوجه خود فرزندان می‌گردد که در بهره‌گیری از وسایل پیشرفته کنونی به چه صورتی عمل کنند.

حسن ختام این آموزه‌ها سخن دلسوزانه پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ» (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲)؛ فرزندانان را گرامی بدارید و ادب آنان را نیکو گردانید تا آمرزش شوید. این رهنمود حدیثی و تأکیدات مشابه فراوان دیگر اهتمام و توجه اسلام و پیشوایان آن را به تربیت نیکوی فرزندان، نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

۱. آموزه‌های قرآنی و حدیثی، انواع تربیت و از جمله تربیت جنسی را برای دوره نوجوانی و جوانی و حتی پیش از آن را به طور مفصل بیان کرده است، به گونه‌ای که هیچ مکتب و مرامی چنین جایگاهی ندارد.
۲. شیوه‌های آسان، طبیعی و عملی، از ویژگی‌های آموزه‌های یاد شده است و برای عدم اجرای آنها هیچ بهانه‌ای، قابل قبول نیست؛ به جز موارد استثنایی که در صورت نبودن زمینه یا توان انجام آنها، که با رحمت و عدالت الهی قابل توجیه خواهد بود.
۳. به کارگیری مسائل تربیتی مطرح شده در آموزه‌های قرآن و حدیثی، فرد و اجتماع را در مسیر سلامت فرهنگی، اخلاقی و رفتاری قرار می‌دهد به گونه‌ای که هر دو خواهند توانست در فضایی آرام و به دور از دغدغه‌های فکری، زمینه‌های سعادت دنیوی و اخروی را فراهم سازند.
۴. بهره‌گیری از اصول و ضوابط تربیتی اسلام، روش‌های استفاده یا عدم استفاده از فرایندهای نوظهور جهانی، از قبیل فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی و اینترنت)، ماهواره و پدیده‌های جدید احتمالی دیگر در آینده را به همراه خواهد داشت و قشر جوان امروزی که معمولاً ارتباط یا علاقه زیادی به آنها دارد باید در این باره دقت بیشتری در اجرای اصول و ضوابط یاد شده داشته باشد.
۵. عمل کردن به رهنمودها و توصیه‌های پیشوایان دین، در این خصوص مسیری طبیعی و مورد اطمینان است که هم افراد را از بیراهه رفتن و مبتلا شدن به ردائل اخلاقی، بیماری‌های روانی و جسمی نگاه می‌دارد و هم جوامع انسانی را از آلوده شدن به نارسایی‌ها و خطرات اجتماعی حفظ می‌کند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، چاپ اول بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، (۱۴۰۹)، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، ریاض: مکتبه الرشد.
- ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۲۰)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار المعرفه للطباعه والنشر والتوزیع.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوداود سجستانی، سلمان بن الأشعث، (۱۴۱۰)، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- ابن حزم، علی اندلسی، (۱۹۸۷)، الطوق الحمامه فی الألفه والألاف، تحقیق احسان عباس، چاپ دوم، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول، تحقیق علی أكبر الغفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ابن عاشور، محمد الطاهر، (۱۹۸۴)، التحرير والتنوير، تونس: الدار التونسیه للنشر.
- ابن عطیه، غالب بن عبد الرحمن، (۱۴۱۳)، المحرر الوجیز، تحقیق عبد السلام عبد الشافی، چاپ اول، لبنان: دار الکتب العلمیة.
- أبوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۲)، البحر المحیط، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابوداود سجستانی، سلمان بن الأشعث، (۱۴۱۰)، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
- امینی، عبد الحسین، (۱۳۸۷)، الغدير، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، الصحيح، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- بغوی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، معالم التنزیل، دارالطیبه.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۰۳)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق شعیب الأرنؤوط-محمد زهیر الشاویش، چاپ دوم، بیروت: المکتب الاسلامی.
- بوطی، محمد سعید، (۱۳۹۴)، الاسلام و تنشئه الشباب، چاپ اول، دمشق: بی جا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۲۴)، السنن الکبری، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- _____، (۱۴۲۳)، شعب الایمان، تحقیق عبد العلی عبد الحمید حامد، چاپ اول، هند:

- مکتبه الرشد.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۵)، سنن الترمذی، تحقیق احمد شاکر و ..، چاپ دوم، مصر: شرکه مکتبه ومطبعه مصطفی البابی الحلبي.
 - جزائری، جابر بن موسی ابوبکر، (۱۴۲۴)، ایسر التفاسیر، چاپ پنجم، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم.
 - جصاص، احمد بن علی، (۱۴۱۵)، أحكام القرآن، تحقیق عبد السلام محمد علی شاهین، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 - حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 - حرعالمی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعہ، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
 - حسینی، محمد رشید رضا، (۱۹۹۰)، تفسیر المنار، مصر: الهیئه المصریه العامه للكتاب .
 - حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵)، نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه إسماعیلیان للطباعه والنشر والتوزیع.
 - خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 - خرائطی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۳)، مساوی الأخلاق ومدومها، تحقیق: مصطفی بن أبو النصر الشلبي، چاپ اول، جده: مکتبه السوادی.
 - زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۸)، التفسیر المنیر، چاپ دوم، دمشق: دار الفكر المعاصر.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۲)، مفردات الفاظ القرآن، کتابفروشی مرتضوی.
 - زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۵)، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل، مصر: شرکه مکتبه ومطبعه مصطفی البابی الحلبي وأولاده.
 - سید قطب، ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲)، تفسیر فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت: دار الشروق.
 - سادات، محمد علی، (۱۳۷۶)، راهنمای پدران و مادران (شیوه های برخورد با نوجوانان)، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، الدر المنثور فی التفسیر المأثور بیروت: دار المعرفه.
 - شادی، احمد، (۱۳۸۲)، انحرافات جنسی جوانان، ماجد احمد یانی، بی جا.
 - شعراوی، محمد متولی، (۱۹۹۷)، الخواطر، بی جا.
 - شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴)، فتح القدير الجامع بین فنی الروایه و الدرايه من علم التفسیر، بی جا، عالم الکتب.
 - صابونی، محمد علی، (۱۴۰۰)، روائع البیان تفسیر آیات الأحکام، تحقیق حسن عباس الشربتلي، دمشق: مکتبه الغزالی.
 - صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳)، الخصال، تصحیح علی أكبر الغفاري، قم: منشورات جماعه المدرسين في الحوزة العلمیه.
 - _____، (۱۳۹۰)، من لايحضره الفقيه، تحقیق سید حسن موسوی الخراسان، تهران: دارالکتب

- الاسلاميه.
- _____ (بی تا)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر الغفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
 - طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۶۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعت مدرسین و نشر علمی وفکری علامه طباطبائی.
 - طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۲)، مکارم الأخلاق، بی جا.
 - طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵)، جامع البیان، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
 - طبري، محمد بن علي، (۱۴۰۵)، أحكام القرآن، تحقیق موسی محمد علی وعزّه عبد عطیه، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - طریحی، فخر الدین، (۱۴۰۸)، رمجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، بی جا: مکتبه الثقافه الاسلامیه، و نیز ۱۳۶۲ ش، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
 - طنطاوی، محمد، (۱۹۹۸)، الوسیط للقرآن الکریم، چاپ اول، قاهره: دار نهضة مصر للطباعه والنشر والتوزیع.
 - طوسی، محمد بن حسن، (۱۲۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 - _____، (۱۴۰۷)، الخلاف، تحقیق جماعتی از محققین، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 - فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - فلسفی، محمد تقی، (۱۳۸۳)، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ چهارم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - قاسمی، محمد، (۱۴۱۸)، محاسن التأویل، تحقیق محمد باسل عیون السعود، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 - فیض کاشانی، محسن، (۱۳۷۶)، تفسیر الاصفی، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 - _____، (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 - قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵)، الجامع لأحكام القرآن، تصحیح احمد عبد العلیم البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵)، فقه القرآن، تحقیق أحمد حسینی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی.
 - قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، تفسیرکنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: انتشارات ارشاد اسلامی.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، تحقیق علی اکبر الغفاری، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 - ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت والعیون، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و یکم، تهران: دار الکتب العلمیه.
- ناصح علوان، عبدالله، (۱۳۸۸)، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، چاپ چهارم، تهران: نشر احسان.
- نسائی، احمد بن شعیب، (۱۳۴۸)، السنن، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۹)، مستدرک سفینه البحار، تحقیق حسن بن علی نمازی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين.